

حقیقتِ «بوف کور»

نقدی متفاوت بر «بوف کور»
شاخص‌ترین اثر صادق هدایت

پیشگفتار	۹
پیش درآمد	۱۳
زندگینامه صادق هدایت	۱۵
تاریخچه نگارش و انتشار «بوف کور»	۲۷
شناختنامه «بوف کور»	۳۱

۳۱ / بوف کور (۱۳۱۵). ۳۱ / چاپ مورد بررسی ما. ۳۱ / شخصیت‌های مهم. ۳۲ / مکان. ۳۲ / زمان. ۳۲ / طول زمان جاری داستان. ۳۲ / خلاصه داستان.

منابع و مآخذ ادبی «بوف کور»	۴۱
۴۴ / ۱. تأثیر «بوف کور» از برخی آثار پیشین هدایت. ۴۶ / ۲. تأثیر «بوف کور» از آثار دیگران. ۴۷ / الف) برداشت از «دفتر خاطرات ریلکه». ۴۷ / ب) رونویسی از اثری از ویرجینیا وولف. ۴۸ / ج) شباهت‌های حیرت‌انگیز، با «ماجرای دانشجوی آلمانی» واشینگتن آیروینگ. ۵۲ / د) شباهت‌های چشمگیر با «اورلیا»ی ژرار دونروال. ۵۸ / ه) شباهت با «هورلا»ی موباسان. ۵۹ / ط) تأثیر از سینمای صامت و اکسپرسیونیستی. ۶۲ / نظر هدایت درباره تقلید و سرقت ادبی. ۶۲ / نتیجه‌گیری.	

نوع (ژانر) «بوف کور»	۶۵
----------------------	----

دلایل پیچیده و دشوار فهم‌نمایی برخی آثار

۷۷

۱/ ۷۹. ناکامل (نواقص) بودن اثر. ۲/ ۸۰. وجود تناقض در اثر.
 ۳/ ۸۰. نداشتن آشنایی کافی نویسنده با اقتضائات قالب و عناصر
 ساختاری یا درونمایه‌ای اثر. ۴/ ۸۱. نارسایی در زبان و بیان. ۵/ ۸۲.
 ۵. انباشتن اثر از عناصر غیر ادبی. ۶/ ۸۳. استفاده از نمادهای کاملاً
 شخصی و خصوصی.

«عقدۀ اودیپ» یا «مادینه جان»؟

۸۵

۸۵/ «بوف کور» و «عقدۀ اودیپ». ۹۱ مادینه جان (آنیما). ۹۶ «بوف
 کور» و «مادینه جان». ۹۸ دختر یا زن اثری در «بوف کور». ۱۰۰ لکاته.
 ۱۰۳ وجوه اشتراک لکاته با زن اثری. ۱۰۷ نوع رابطه‌ی راوی و دختر
 اثری. ۱۱۱ تناقضهای موجود درباره‌ی زن اثری.

نمادها

۱۲۹

۱۳۰ الف) سایه. ۱۵۱ ب) نقاشی روی قلمدان و صحنه‌های مشابه آن.
 ۱۶۰ ج) گلدان راغه و بغلی شراب موروئی. ۱۶۹ د) شراب موروئی.
 ۱۷۷ ه) دو ماه و چهار روز. ۱۷۸ ۱/ در زندگی اول. ۲/ ۱۷۹. در
 زندگی دوم راوی. ۱۸۸ و) گل نیلوفر. ۲۰۰ ز) بقایای شهر ویران.
 ۲۰۹ ح) نهر سورن. ۲۱۱ ط) مهر گیاه. ۲۱۳ ی) اتاق تنگ. ۲۱۶
 ک) صورتک. ۲۱۹ ل) رجاله‌ها.

ساختار

۲۲۵

۲۳۳/ هدف راوی از نوشتن زندگی خودش. ۲۳۸ ناخوشی و عوالم
 ویژه آن. ۲۴۲ تغییر و تحولاتی ناگهانی راوی.

نثر	۲۴۵
درونمایه‌ها	۲۵۹
۲۶۲ الف) یأس و پوچی. ۲۶۵ ب) ذم دنیا و مردم آن. ۲۶۶ ج) خیانت همسر و تحقیر شدن توسط او. ۲۶۷ د) مسخ. ۲۶۹ هـ) تردید و عدم قطعیت. ۲۷۱ و) دلمردگی و مرگ‌اندیشی. ۲۷۶ ز) رمانتی‌سیسم. ۲۷۷ ح) تناسخ. ۲۷۸ ط) میل به خودآزاری، و ستایش رنج. ۲۷۸ ی) ستایش از تریاک. ۲۸۳ ک) اسلام‌ستیزی.	
سایر موارد	۲۹۱
ختم کلام	۳۰۳
کتابنامه	۳۰۵
نمایه	۳۱۱

پیشگفتار

صادق هدایت روح زخم خورده‌ای داشت یا نداشت،
 حکایتش، روایت روح کنونی ما بود یا نبود،
 بساطش پوچ‌انگاری را پهن کرده بود یا نکرده بود،
 داستان‌سرایی‌اش به شاهکار داستان پارسی می‌نمود یا نمی‌نمود،
 سبکش سوررئالیسم را در ایران آغازیده بود یا نبود،
 بوف کور، شاهکارش، پدیدارش بود یا نبود
 و ...

این حقیقتی است که امروزه، به هر سبب، داستان‌سرایی و صادق
 هدایت، در ذهن عده‌ای همسایه‌اند که نام یکی یاد دیگری را به همراه دارد.
 زندگی هدایت سرشار از زخم است. اشراف‌زادگی، افسردگی و
 افسون‌زدگی، تردید و معنزدگی، برزخ تاریخی، ناتوانی جسمی - جنسی و
 ... روح او را زخمی کرده و توان قلمش را به تصویر سیاه‌انگاری ژرف
 تصورش از خویشتن و پیرامونش کشانده است.
 «در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا
 می‌خورد و می‌تراشد...»

بوف کور را می‌توان اوج فریادهای هدایت از رنج زخم‌های روحی‌اش

دانست.

بوف کور، سایه‌ای است از حقیقت خود پنداشته هدایت از جامعه ایرانی. آنجا که انبوه هرزه‌ها و رجاله‌ها پیکره‌بندی‌اش کرده‌اند و جهل، ابتدایی‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی‌اش است. صادق هدایت می‌گوید که بوف کور را برای سایه خویش نگاشته است؛ سایه‌ای که با افسون‌زدگی و نحسی، شنونده داستان راوی بوف کور است.

او می‌گوید که بوف کور، نماد و پدیدار پرتوی گذراست که بر راوی، زندگی و جامعه‌اش لحظه‌ای تابیده تا او از حقایق آگاه شود و آن‌گاه در سیاهی ابدی فرو رود.

اما بوف کور هر چه که باشد (چکاد داستان‌سرایی یا برگردانی آزاد یا اوج افسون‌زدگی و یا شاهکار برآمده از مبالغه دیگران)، اثری مهم در ادبیات معاصر است که نویسندگان و ناقدان بسیاری را به نقد و یا وصف خویش کشانده است. از این روی، غفلت از صادق هدایت و بوف کور برای اهل ادب و تفکر، ناممکن و نارواست.

امروزه در میان جوانان و دانش‌جویان (که مخاطبان کتابهای کانون‌اند)، خوانش آثار صادق هدایت، به ویژه بوف کور گسترش یافته است. برای این گسترش می‌توان سببهای گوناگونی را جست‌وجو نمود؛ اما با گذشت از این سببها، آن‌چه که در این مقام اهمیت پیدا می‌کند، رمزگشایی و بیان حقایق بوف کور برای جوانان و دانش‌جویان است. دانستن این حقایق فهم خوانندگان جوان را از بوف کور تکامل می‌بخشد.

اثر حاضر تأملی دوباره بر بوف کور است، تا به دور از مبالغه‌ها و

یکجانبه‌نگری‌ها، نگرشی منصفانه را در تحلیل و نقد این اثر، در پی گیرد. محمدرضا سرشار که خود یکی از داستان‌سرایان و منتقدان شناخته شده دوره معاصر است، پیش از این نیز در کتاب *راز شهرت صادق هدایت* در پی بیان حقایقی درباره صادق هدایت و آثارش بوده است که این اثر در چاپهای متعدد، مورد اقبال خوانندگان آثار کانون قرار گرفته است.

کتاب پیش رو در حالی به نشر سپرده شده است که تا کنون، ده بهار از دوامده شدن ریشه‌های نهال کانون اندیشه جوان می‌گذرد. ده‌های که با گذشتنش، کارنامه‌ای روشن را برای کانون بر جای نهاده است. انتشار حدود ۲۰۰ اثر در ساحت‌های گوناگون اندیشه‌ای و پاسخگویی به خواستهای خردگونه جوانان و دانش‌جویان، بخشی از کوششهای کانون برای دستیابی به غایت خویش بوده است. باشد که این نهال نو، روزاروز، برگ و باری تازه گیرد و طراوت و شادابی افزون‌تری پذیرد.

در پایان، تلاش نویسنده و پژوهش‌گر گرامی جناب آقای محمدرضا سرشار را ارج نهاده و امید می‌بریم که این نوشتار دریچه‌ای روشن فراوی خوانندگان ارجمند بگشاید و بر خردمندی و خرسندی آنان بیافزاید.

کانون اندیشه جوان